

کوردستان

ارگان حزب دمکرات کوردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلق کرده در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

شماره ۸۲۵، شنبه ۳۱ خردادماه ۱۴۰۱، ۳۱ ژوئن ۲۰۲۲

- هشدار مرکز سیاستگذاری حزب دمکرات کوردستان ایران به "رضا پهلوی"
- نمایشگاه عکس در کوهستانهای کوردستان برگزار گردید
- رسانه‌های وابسته به رژیم ایران: ضد انقلاب معلمین کوردستان را وادار به اعتراض می‌کنند
- وزیر خارجه عراق ادعای رژیم ایران مبنی بر حضور موساد در «هولیر» را تکذیب کرد

www.kurdistanmedia.com



حمایت از معلمان، وظیفه است!

سخن

همکاری و تبعیت

کریم پرویزی

مبارزه چه برای تغییرات درون یک سیستم و چه با هدف برداشتن یک سیستم و پایه‌گذاری یک سیستم جدید دارای مجموعه ویژگیهایی است که در صورت مهیا نبودن یا مبارزه به نتیجه نمی‌رسد، یا به انحراف می‌رود، یا با صرف هزینه بسیار و هدر رفتن وقت زیاد به برخی از اهداف خود می‌رسد. در کشور بلا زده ایران که سیستم فاشیستی — تمامیت‌خواه حاکم است، مبارزه برای تغییر این سیستم و فروپاشی آن در جریان است و گروه‌های مختلفی برای سرنگونی آن کار می‌کنند. اما تاکنون موفق به این مهم نشده‌اند و گروه‌های اپوزیسیون همچنان به مبارزه خود ادامه می‌دهند و سیستم درنده حاکم نیز همچنان حاکم است و بیش از پیش جنایت می‌آفریند.

ماندگاری این سیستم بر اریکه قدرت هم فاکتور داخلی دارد و هم فاکتور خارجی. یکی از فاکتورهای مهم برای فروپاشی و برکناری این سیستم درنده، تشکیل همگرایی و همکاری گروه‌های اپوزیسیون است که بتوانند خود را همچون یک سیستم جایگزین تعریف کنند.

این موضوع سال‌ها است که در اپوزیسیون رژیم ایران مطرح است اما هنوز آن همگرایی و همکاری که منجر به تشکیل یک آلترناتیو شود، شکل نگرفته است! جدا از همه ریزه‌کاری‌های دیگر و بحث در مورد مشکلاتی که بر سر راه هستند، یک فاکتور اصلی برای ایجاد این چنین انتلافی و همکاری، به مسئله اصلی تحت عنوان "درک همکاری" بر می‌گردد.

زمانی سیستمی می‌تواند خود را به عنوان آلترناتیو سینم دیگر معرفی کند که نخست گفتنی جایگزین درست کند و از لحاظ گفتنی قادر باشد خود را قدرتمندتر و فراگیرتر از گفتنی



جو خفقان حاکم بر کوردستان داد فعالین بین‌المللی حقوق بشر را نیز در آورد. روز چهارشنبه ۲۵ خرداد کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل متحد از جمله "جاوید رحمان" طی اطلاعیه‌ای نگرانی خود را نسبت به سرکوب سیستماتیک جنبش‌های مدنی و اجتماعی ایران ابراز داشتند.

در کل بازداشت فرهنگیان، قشری که دارای جایگاه و پایگاه اجتماعی گسترده‌ای در جامعه ایران هستند، نشان از ترس و فوبیا سران رژیم از مطالبات و خواسته‌های بر حق معلمان و کلا همه اقشار مختلف ایران همچون؛ بازاریان، کارگران، بازنشستگان و دیگر اصناف است. چرا که معلمان همچنان که اشاره شد به دلیل جایگاهی که دارند می‌توانند بر همه مردم ایران تاثیر بگذارند و موجب ایجاد موج عظیمی از اعتراضات شوند.

این همه سرکوب و بازداشت‌ها گویای بر حق بودن خواسته‌های فرهنگیان و همه اقشار به سته آمده ایران است و وظیفه اخلاقی همه است که از حقوق معلمان که همانا حقوق همه‌ی مردم کوردستان و ایران است، حمایت کنیم.

شخصی معلمان، آن‌ها را نیز مورد آزار و اذیت روحی و شکنجه قرار داده‌اند. در واکنش به بازداشت‌های خودسر، ۱۰ معلم بازداشتی روزهای ۲۵ و ۲۶ خرداد بازداشت شده بودند دست به اعتصاب زده و هنوز خبری از سرنوشتشان در دست نیست.

در همین رابطه اتحادیه صنفی معلمان کوردستان نسبت به بازداشت و تهدید معلمان کوردستان بیانیه‌ای را منتشر و از مردم خواست که همچون همیشه حامی معلمان کورد باشند. در این بیانیه‌ی آمده: متأسفانه معلمان کوردستان و ایران به دلیل بحران معیشتی و به امنیتی کردن مدارس از سوی رژیم و همچنین عدم عدالت در طرح رتبه بندی، نتوانسته‌اند وظیفه خود را که همان آموزش و پرورش دانش‌آموزان است به نحوه احسن انجام بدهند. تلاش‌هایی نیز که انجام گرفته در نتیجه از خودگذشتگی معلمان فداکار کورد بوده است.

همچنین در این بیانیه آمده: لازم می‌دانیم که مردم کورد همچون همیشه از مطالبات و حقوق معلمان دفاع کنند.

خفقان همچنان پابرجا و بسیاری از فرهنگیان کوردستان و برخی از معلمان با قید وثیقه موقتاً آزاد و بسیاری نیز همچنان در بازداشت رژیم ایران به سر می‌برند.

طبق آخرین اخبار رژیم ایران معلمان بازداشتی کورد را به چندین گروه تقسیم کرده است و برخی را برای بازجویی به اداره اطلاعات سپاه تروریست فرا خوانده و مجموعه‌ای نیز به اداره اطلاعات و گروهی هم تحویل نیروی انتظامی شده و بعد از بازجویی، نهایت همه معلمان بازداشت شده را منتقل به زندان مرکزی کرده‌اند.

این نهادهای سرکوبگر رژیم ایران معلمان را تهدید کرده که باید با نیروهای رژیم همکاری کرده و در غیر این صورت آینده خوبی در انتظار خود و فرزندانشان نخواهد بود. همچنین فرهنگیان کورد را تهدید به اخراج خود و فرزندانشان را از مدرسه کرده بوده‌اند.

نهادهای امنیتی رژیم ایران همچنین به فرهنگیان بازداشتی کورد اتهام همکاری با احزاب کورد اپوزیسیون رژیم زده‌اند. نیروهای سرکوبگر رژیم ایران غیر از ضبط موبایل، لب تاب و وسایل

از فرهنگیان این شهر هجوم برده و نهایتاً چند کس از معلمان را بازداشت و راهی زندان‌های مخوف رژیم اشغالگر ایران کرده‌اند.

"سلیمان عیدی"، "خالد عبداللهی"، "محمد فتاحی"، صلاح سرخی"، "احمد قادری"، "خالد شیخی"، "انور فرج‌زاده"، "صلاح حسینی"، "کیوان احمدی"، "حسین محمدی"، "اسماعیل ریحانی"، "زاهد مرادی"، "آمانج امینی"، "آوات رضوی"، "طاہر حامدی"، "طاہر قادر زاده"، "مرضیه طلایی"، "فاتح غفاری"، "عزیز مرزی"، "لقمان اله‌مرادی"، "امید شاه‌محمدی"، "عثمان رضایی"، "هیوا قریشی"، "پرویز احسنی" و "کاوه محمد زاده" معلمان بودند که توسط نیروهای سرکوبگر رژیم ایران بازداشت و روانه زندان شده‌اند. در ادامه بازداشت‌ها و در روز بعد، "آرام قادری"، "تحسین مصطفایی"، "سیوان سلیمانی" از فرهنگیان شناخته شده مریوان و "غیاث نعمتی" و "صلاح حاجی میرزایی" از اعضای هیات اجرایی انجمن صنفی فرهنگیان کوردستان — سنه و کلاترزان نیز بازداشت شده‌اند. سایه شوم این فضای

فضای سیاسی کوردستان طی چند روز اخیر بسیار متفاوتتر از ماه و سال‌های گذشته؛ دیدیم که رژیم ایران از ترس اعتراضات معلمان دست به سرکوب و بازداشت شماری از معلمین میهن دوست در شهرهای کوردستان زد. این اقدام معلمان در پی فراخوان شورای صنفی فرهنگیان ایران و جلو در اداره آموزش و پرورش شهرستان‌ها در حمایت از معلمان بازداشت شده برگزار شد که از سوی رژیم ایران متهم به جاسوسی برای دشمنان رژیم شده بودند و همچنین تأمین مطالبات فرهنگیان برگزار شدند.

در ۱۱ اردیبهشت سال جاری نیز سئ معلم کورد به نام‌های "اسکندر لطفی" و "شعبان محمدی" و "مسعود نیکخواه" از اعضای هیات اجرایی انجمن صنفی فرهنگیان کوردستان — مریوان از سوی نیروهای امنیتی رژیم و به اتهام جاسوسی برای دو معلم فرانسه‌ای، بازداشت شده‌اند.

در ادامه موج گسترده بازداشتی‌ها و در ۲۵ خرداد نیروهای امنیتی رژیم اسلامی ایران و مزدورانشان در شهرهای "سقز" و "دیواندره" غیر از تهدید معلمان، به خانه شماری

هشدار مرکز سیاستگذاری حزب دمکرات کوردستان ایران به «رضا پهلوی»

مراسمی در چیژنکان برای قدردانی از زنان مبارز برگزار گردید



لوح های قدردانی از سوی "کریم پرویزی" عضو هیأت اجرایی، "شنه درودگر" دبیر اتحادیه زنان کردستان، "سیران عزتی" از اعضای هیأت مدیره اتحادیه زنان، "مروارید مولودی" مسئول کمیته اتحادیه زنان در چیژنکان تقدیم به آن زنانی شد که ۲۰ ساله در صفوف مبارزه قراردارند

رهبری، کادر و پیشمرگه‌ها حضور داشتند. در بخش اول مراسم شعری از سوی "مهربان دهقان" تقدیم شد. سپس از زنانی که مدت ۲۰ سال است در صفوف انقلاب و برای حقوق و آزادی ملت کورد مبارزه کرده‌اند تجلیل و قدردانی شد. این زنان همچنین از اعضای اتحادیه زنان دمکرات کوردستان ایران بودند.

روز پنجشنبه ۲۶ خردادماه، اتحادیه زنان دمکرات کردستان ایران مراسمی ویژه برای تجلیل از زنان مبارز که در صفوف مبارزه قرار دارند در چیژنکان برگزار کرد. این مراسم با سرود ملی "ای رقیب" و یک دقیقه سکوت به احترام روح پاک شهدای کورد و کوردستان آغاز شد. در این مراسم شماری از اعضای

نام می‌برد و این در حالی است که همین ملیت‌ها و بویژه ملت کورد طی سالیان‌زمانمداری پهلوی‌ها و جمهوری اسلامی در جهت کسب آزادی و حقوق ملی خود کوشا بوده‌اند و مقاومت و مبارزه را با خون و فداکاری فرزندان خود ادامه داده‌اند و ادامه خواهند داد. آقای رضا پهلوی در همین سخنان اگر مجدانه بر سرنگونی جمهوری اسلامی ایران تاکید دارند، هرگز کلامی از ایران آینده‌ای که نه حسب خواسته‌ی ایشان بلکه خواسته‌ی همه‌ی مردم ایران مطلبی بر زبان نیاوردند. چنانچه بیانات تحقیر آمیز آقای رضا پهلوی نسبت به ملیت‌های تحت ستم ایران در راستای جلب نظر شماری از اطرافیانش باشد می‌توان انتظار جبران آنرا متصور بود لیکن اگر همانگونه که نشان می‌دهد از افکار نادمکراتیک و بیگانه با واقعیت‌های ایران آینده نشأت گرفته باشد یقیناً ضمن اینکه تأثیری بر مبارزهی ملیت‌های ایران علیه جمهوری اسلامی نخواهد داشت بلکه هر ذهنیت مثبتی نسبت به ایشان را زیر سؤال خواهد برد و با چنین بینشی همزمان با مبارزه علیه

مرکز سیاستگذاری حزب دمکرات کوردستان ایران، در واکنش به حرف‌های "رضا پهلوی"، طی اطلاعیه‌ای هشدار داد که در گفته‌های پسر شاه ایران چیزی جز انکار و تحقیر ملیت‌های تحت ستم وجود نداشت. متن اطلاعیه به شرح زیر می‌باشد: اطلاعیه‌ی مرکز سیاستگذاری حزب دمکرات کوردستان ایران در رابطه با سخنان آقای رضا پهلوی خطاب به مردم بی‌باخاستی کشورمان هم میهنان گرامی! مردم مبارز و بی‌باخاستی ایران! آحاد ملیت‌های تحت ستم در ایران! چند روز پیش آقای رضا پهلوی در بیاناتی تحت عنوان سخنی با هم میهنان مطالبی را به عنوان یک هموطن ایرانی در رابطه با حرکت‌های اعتراضی اخیر هم میهنان در داخل کشور ابراز نمودند. آقای رضا پهلوی در این سخنان بر همبستگی و همراهی مردم ایران تاکید می‌ورزد اما در عین حال به تحقیر ملیت‌های تحت ستم ایران می‌پردازد و ضمن انکار حقیقت کثیرالمه بودن ایران، این ملیت‌ها را همچون ایلات، عشایر و طوایف

حزب دمکرات
کوردستان ایران

مرکز سیاستگذاری

۲۱ خردادماه ۱۴۰۱

نمایشگاه عکس در کوهستانهای کوردستان برگزار گردید



رسانه‌های وابسته به رژیم ایران: ضد انقلاب معلمین کوردستان را وادار به اعتراض می‌کنند



بوده است برای دنبال کردن اهداف سیاسی برخی گروهک های ضدانقلاب که به شدت از آنها حمایت می کنند. پیشتر نیز رسانه‌های وابسته به رژیم ایران، برای روایی دادن به سرکوب‌های نیروهای امنیتی از معترضان به عنوان عامل خارجی و دشمن یاد کرده بودند.

توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده‌اند، رژیم ایران به تقلا افتاده و همه نیروهای سرکوبگر خود را همراه با رسانه‌های وابسته‌اش بسیج کرده تا ضمن سرکوب اعتراضات برحق معلمین آن‌ها را وابسته به سرویس‌های جاسوسی و به گفته خودشان ضد انقلاب بکند. در خبری که "کورد تودی" منتشر کرده است تاکید شده "مطالبات صنفی تعدادی از معلمان، پوششی

اخیرا "کورد تودی" از رسانه‌های وابسته به سپاه تروریست پاسداران خبری از اعتراضات معلمان کوردستان انتشار داده که با تحریف خواست برحق فرهنگیان، آن‌ها را وابسته به سرویس‌های جاسوسی و ضد انقلاب قلمداد کرده است. به دنبال موج گسترده اعتراضات فرهنگیان ایران و کوردستان که بیش از ۳۵ معلم در کوردستان

این نمایشگاه عکس در نیروی ۱۳۵ پیشمرگه کوردستان از سوی "سیران گرگولی" معاون فرماندهان تیپ ۱۳۵ نیروی پیشمرگه کوردستان افتتاح شد. در هر دو نمایشگاه جمع کثیری از پیشمرگه‌های کوردستان حضور داشتند و نظرات خود را در مورد نمایشگاه بیان کردند.

روز پنجشنبه ۲۶ خردادماه نمایشگاه عکس تحت عنوان "شاخ به دهنگی دپته گو" توسط عکاس پیشمرگه "بختیار نظری" در کوهستان‌های کوردستان برگزار شد. این نمایشگاه توسط "مصطفی مناف" فرمانده نیروی ۱۳۵ پیشمرگه افتتاح شد. همچنین در روز ۲۷ خردادماه

قطعی مداوم برق در کوردستان تمامی ندارد



کمبود برق در ایران از زمستان ۹۸ آغاز شده، تا کنون نیز ادامه دارد و قطع برق در استان های کوردستان و دیگر شهرها گزارش شده است. قطعی برق به رسمی آغاز شده و گزارش‌ها حکایت از مختل شدن روند عادی زندگی مردم و همچنین بروز مشکلاتی برای واحدهای پزشکی، تولیدی و صنعتی دارد.

با آغاز فصل گرما در ایران، رژیم توانایی پاسخگویی به نیاز برق مصرفی مردم را ندارد. طرح قطع برق بخش خانگی و صنعتی آغاز شده و تغییر ساعات کار ادارات در ۲۰ استان ایران از دیگر مصوبات دولت برای کاهش مصرف برق است.

شنبه ۲۱ خرداد در شهرک‌های "سنه" قطعی برق به مدت یک روز کامل اعلام شد.

کسری شدید برق در ایران سبب شده برخلاف ادعاهای مسئولین، برق در بخش صنعت نیز قطع شود. قطعی برق، موجب خسارات زیادی به وسایل برقی خانگی شده، در بیمارستان‌ها نیز جان بیماران در خطر می‌افتد و درکارخانه‌ها

وزیر خارجه عراق ادعای رژیم ایران مبنی بر حضور موساد در "هولیر" را تکذیب کرد



اقلیم کوردستان در این حمله سه نفر مجروح شدند و به چند خودرو نیز آسیب وارد شد.

پیشتر نیز سپاه تروریست پاسداران در ۲۱ اسفند ماه گذشته به بهانه حضور "موساد" به طور

"فواد حسین"، وزیر خارجه عراق اعلام کرد که ادعای رژیم ایران مبنی بر حضور "موساد" در "هولیر" کذب و تاکید کرد که تهران باید از تکرار حملات خودداری کند.

وزیر خارجه عراق متذکر شد که هیچ گونه پایگاه یا مرکز اسرائیلی‌ها در اقلیم کوردستان وجود ندارد و اگر رژیم ایران نیز اطلاعاتی درباره حضور اسرائیلی‌ها در کوردستان داشت، بایستی قبلا به عراقی‌ها خبر می‌داد.

چهارشنبه شب، یک پهپاد انتحاری در منطقه پیرمام از مناطق پرتردد و مسکونی شهر "هولیر" و از مناطق نزدیک به کنسولگری‌های آلمان، آمریکا و امارات متحده عربی منفجر شد. بنابر اعلام سازمان ضد تروریسم

هر دلار در ایران به مرز ۳۳ هزار تومان رسید



بر اساس اخبار رسیده به وبسایت "کوردستان میدیا"، قیمت هر دلار آمریکا در بازار آزاد فروش ارز در تهران روز شنبه با ثبت رقم ۳۲ هزار و ۸۰۰ تومان، به بالاترین قیمت تاریخی خود رسید.

قیمت دلار چند روز پس از صدور قطعنامه شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه ایران، همان طور که برخی از رسانه‌ها پیش بینی کرده بودند، افزایش یافت.

در مقابل پلیس امنیت اقتصادی رژیم ایران دست به بازداشت گسترده به گفته خود، اخلا گران بازار ارز کرده است.

"سهراب بهرامی"، جانشین پلیس امنیت اقتصادی، گفت که ۳۱ نفر از سرشاخه‌های معاملات "فردایی" دستگیر و تعدادی از عناصر فعال در این بازار نیز با همکاری بانک مرکزی و مراجع قضایی شناسایی شدند.

دلار فردایی یا دلار پشت خطی به دلاری گفته می‌شود که در همان روز معامله شده، اما تحویل آن فردا انجام می‌شود.

"علی نصیری" فرمانده حفاظت سپاه تروریست به اتهام جاسوسی بازداشت شد



دو عضو یگان هوافضای خود در حین انجام ماموریت خبر داده بود. پیشتر "یوسی کوهن" رئیس موساد در مراسم تودیع خود گفته بود:

"ما به قلب رژیم ایران نفوذ کرده

و با افشای برنامه‌های هسته‌ای رژیم موجب تضعیف اعتماد به نفس آن‌ها شدیم".

در مراسم تودیع خود گفته بود: "ما به قلب رژیم ایران نفوذ کرده

آمریکا پاداشی ۱۵ میلیون دلاری برای شناسایی شبکه مالی سپاه تروریست اختصاص داد

اداره امنیت دیپلماتیک وزارت امور خارجه آمریکا در صفحه رسمی "برنامه پاداش برای عدالت" خود، با انتشار یک آگهی اعلام کرد به هرگونه اطلاعاتی که بتواند در شبکه مالی سپاه ترویست پاسداران اختلال ایجاد کند تا سقف ۱۵میلیون دلار پاداش پرداخت می‌کند.

در آگهی اداره امنیت دیپلماتیک وزارت امور خارجه آمریکا آمده است: سپاه ترویست پاسداران و نیروی قدس آن، برای تأمین مالی فعالیت‌های تروریستی خود در سراسر جهان از مکانیسم‌های متعددی از جمله ایجاد شرکت‌های صوری و نهادهایی برای کمک به دور زدن تحریم‌های ایالات

متحده و بین‌المللی استفاده می‌کنند.

سپاه ترویست پاسداران انقلاب اسلامی و شاخه برون مرزی آن، نیروی قدس، در فهرست تحریم‌های ایالات متحده آمریکا قرار دارند.

سپاه تروریست پاسداران با استفاده از شبکه مالی گسترده‌ای که در سرتاسر جهان دارد، در تلاش است تا با حمایت مالی از تروریسم و دور زدن تحریم‌ها، به سیاست صدور انقلاب که در حقیقت صدور تروریسم است، ادامه دهد.

وزیر دفاع اسرائیل: تنها راه مقابله با تهدیدات رژیم ایران تشکیل یک ائتلاف است

روز سه‌شنبه ۲۴ خرداد "بنی گانتس" وزیر دفاع اسرائیل نسبت به تهدیدات منطقه‌ای رژیم ایران و گروه‌های وابسته‌اش هشدار داد و گفته است: "نگرانی‌های کشورهای عرب منطقه را درک کرده و افزود، تنها راه مقابله با تهدیدات این رژیم تشکیل ائتلافی منطقه‌ای با همراهی اسرائیل و به رهبری آمریکا است."

به گفته "گانتس" "برای مقابله با جنگ طلبی رژیم ایران همکاری صرف کافی نیست؛ بلکه به تشکیل یک نیروی منطقه‌ای به رهبری آمریکا نیاز است، تا همه طرفین حاضر در آن تقویت شوند".

اظهارات وزیر دفاع اسرائیل در حالی مطرح می‌شود که "جو بایدن" قصد دارد در روزهای ۲۲ تا ۲۵ تیر، به اسرائیل، فلسطین و عربستان سعودی سفر کند.

انتظار می‌رود "بایدن" در این سفر طیف وسیعی از مسائل از جمله موضوع بازدارندگی در برابر تهدیدهای رژیم ایران را مورد بحث و بررسی قرار دهد.

پیشتر نیز در حالی که دولت "بایدن" به دنبال توافق با رژیم ایران و خارج کردن سپاه تروریست از فهرست سازمان‌های تروریستی آمریکا بود با فشار کشورهای اسرائیل و عرب منطقه همپیمان آمریکا، این توافق انجام نشده است.

روزمره زندگی شهروندان، خدمات رسانی و صنایع و واحدهای تولیدی ایجاد کرده است.

فروشدگی نیروگاه‌های تولید برق و کاهش تولید در نیروگاه‌های آبی به دلیل خشکسالی از مهمترین عوامل کمبود برق در ایران عنوان می‌شود.

ادامه سخن

فاسد رژیم جلوه بدهد. با درست شدن این چنین گفتمانی، درهای همکاری بر روی دیگر نیروها نیز باز می‌شود و می‌توانند خود را زیر چتری که این گفتمان ایجاد کرده، جای دهند. ایجاد شدن همچنین گفتمانی همه گیر، به دیدگاه درست برای همکاری در میان اجزا و شاخه‌های درون آن پلانفورمبرمیگردد که همه را به یکسان و برابر ببیند .

اگر کسی یا گروهی دم از اتحاد و همگرایی بزند، اما خود را اصل و دیگران را جزء و فرع خود پندارد که حول محور او گرد آمده‌اند، در حقیقت این گفتمان نمایندگی باهم بودگی را نمی‌کند، بلکه ترویج تحت امر من بودن می‌کند! این تبلیغات قادر به ایجاد یک گفتمان همه گیر نیست بلکه تداوم همان گفتمانی است که بیش از صد سال است خود را ذاتی مقدس می‌پندارد و دیگران نیز تنها مرید و پیروانند!

برای شکستن این دور تاریخی که بیش از چهار دهه حاکم است و ایجاد یک چتر همه گیر از سوی همه گروههای اپوزیسیون، بایستی از دیدگاهی بنیادین برای همکاری شروع کنیم که آیا خواستار همکاری هستیم و همدیگر را همچون همراه قبول داریم، یا یکی خود را در جایگاهی که قدسیت دارد معرفی و از روی ترحم نیز به دیگران اجازه می‌دهد که مریدش باشند! نه ملیت‌های تحت ستم و نه هیچ گروهی دیگر از ستمدیدگان قبول نخواهند کرد که مرید و درویش باشند، بلکه همه آماده‌اند تا در یک سطح و جایگاه همسان، همگام و همکار باشند.

کیوان درودی

خطابه یاس برانگیزی بود اعلی حضرت!



شاید ناامیدکننده‌ترین برداشتی که حق داریم از سخنان آقای پهلوی داشته باشیم؛ این است که افق ترسیم‌شده در گفتار وی، ما را دعوت به هم‌نوایی نمی‌کند؛ بلکه برعکس موج تبلیغاتی طرفداران اغلب جزم‌اندیش ایشان، یک شرایط ناپایدار را متصور می‌شود که بر پایه عنصر زور قوام می‌گیرد. اساسا نوعی ریل‌گذاری در خطابه وجود دارد که در آن، هیچ نشانی از یک قرارداد اجتماعی به مفهوم پذیرش تکرر آرا وجود ندارد؛ به نوعی که اساس آن ریشه در شعارهای میهن‌پرستانه و زورمآبانه دارد. این گفتار یا شاید هم گفتمان، دیگران را طرد کرده و گروه‌های مخالف را به یک آوردگاه ایدئولوژیک دعوت می‌کند و چنین رویکردی، از اساس با آنچه "رهبری معنوی" خوانده شده، تضاد ماهوی دارد. تنازعی دهشتناک شبیه به آنچه جنگ همه با همه عنوان می‌شود.

اساس ایده جنگ همه علیه همه، این فرضیه بنیادین است که نوع بشر زیاده‌خواه و فرصت‌طلب است و برای پیشگیری از چنین وضعیت بغرنجی، ایجاد یک قدرت مسلط بر همگان ضروری می‌نمایند تا از طریق کنترل و سرکوب غریزه کشتار توده‌ها علیه یکدیگر، زمینه زنده بودن را فراهم آورد. دست‌کم شاکله خطابه اخیر آقای رضا پهلوی، از آنجایی که تمامی جریانات را خارج از دایره ایران‌دوستانه طرح شده توسط وی ترسیم می‌کند، بر چنین ایده خطرناکی استوار است. از دریچه همین نگاه نیز، باید سویه‌های نگاه از بالا به پایین ایشان را جست. جایی که تمامی جریانات نفی و طرد می‌شوند و به جای آنها، خودی‌های تندروی جایگزین می‌شوند که گویا از حمایت یک عقبه اجتماعی نسبتا بزرگ نیز بهره‌مند هستند که البته ممکن است چنین جایگاهی را داشته باشند.

چنانچه بپذیریم انقلاب ۵۷ را مردم انجام داده‌اند و این واقعیتی تاریخی است، باید اذعان کرد که نظام سلطنتی قابل بازگشت نیست، چراکه پیش از این نمره قبولی نگرفته است. اما ما فرض را بر این می‌گذاریم که این انقلاب را به قول آتش به اختیارهای پهلویست، مرتجعان سرخ و سیاه انجام دادند. آیا این مرتجعان بخشی از بازیگران اصلی صحنه قدرت در ایران نبودند و همین جریانات بخش عظیمی از مردم را سازماندهی

نکردند که نتیجه چنین اقداماتی پایان سلسله دودمانی را رقم زد. اگر چنین گزاره‌ای صحیح است، چشم‌پوشی از این جریانات، جز تخیل چیز دیگری نیست. این علاوه بر تحول در میان ملیت‌ها و تحزب و تشکل آن‌ها در دست‌کم دو دهه اخیر است. حال با وجود چنین جریاناتی، نادیده گرفتن آن‌ها جز نفی گروه‌های بزرگی از سازمان‌های سیاسی و عقبه اجتماعی آن‌ها نیست. مطمئنا نفی موجودیت به واکنش متقابل و در نتیجه به یک نزاع خواهد انجامید.

جنگی که از اکنون آغازش را به عینه می‌بینیم اما در مورد نقطه پرواضح است، پیش‌زمینه این جنگ، عدم وجود یک پیمان و چارچوب برای مشارکت سیاسی خواهد بود؛ امری که آقای پهلوی بدون توجه به تبعاتش، به آن دامن می‌زند.

شاهت‌های شگفتاور به رویه خمینی در ۵۷

طرفداران جناب پهلوی، به شکل بسیار گسترده‌ای کمپینی اعلان‌نشده راه انداخته‌اند تا ثابت کنند منش ایشان"میهن‌پرستانه" و در مقابل منش سایر جریانات "ایران‌ستیزانه" است. جالبتر اینکه نیازی به اثبات این ادعا یا شاید هم فرضیه ندارند. به عبارتی دیگر، اساسی‌ترین و ابتدایی‌ترین اصول منطق را عملا رد می‌کنند و در مقابل نقد این ادعا، به جای تلاش برای توضیح و اثبات ادعا از طریق گزاره‌های مشخص، عدم اثبات آن را از منتقدین می‌طلبند! در مقابل اما، ادعای خود مبنی بر مرتجع بودن چپ‌ها، مذهبیون و اتنیک‌ها را از پیش ثابت شده می‌انگارند و نیازی نمی‌بینند توضیحی ارائه دهند.

این مسئله نشان می‌دهد که این جریان در صورت تسلط بر دستگاه‌های نظامی و امنیتی، زمینه سرکوب قهرآمیز را در دوره گذار دارند.

به بیان دیگر، چنین نگرش غیرخودستیزی، ظرفیا تکرار هرآنچه در میانه انقلاب ۵۷ شاهد بودیم را دارد.. با این تفاوت که به جای رجوع به تفکر بنیادگرای شیعی - مذهبی، به تفکر بنیادگرای سلطنتی - ناسیونالیستی متوسل می‌شود.

غیر از این، وعده‌های بدون پشتوانه نیز در میانه این سخنان به دیده می‌شود که به جای تبیین مکانیزم رهایی ارائه می‌شوند. چنین رویکردی، وعده‌های آقای خمینی درباره "عدالت" و "آزادی" را در حافظه تداعی می‌کند. وعده‌هایی که تضمینی جز اخلاق‌م‌د‌پنداری جریان مسلط نداشت و آن را در لفافه رافت

اسلامی و حکومت مستضعفان می‌پیچیدند. همین رویکرد را آقای پهلوی نیز دارند و به جای تبیین مکانیزم‌های عینی و ملموس درجهت دستیابی به حداقل حقوق و مبانی دموکراتیک آحاد جامعه، شعارهای اخلاق‌م‌د‌پندارانه با فرضیه منش قهرمانانه و البته عامه‌گرایانه سر می‌دهند.

هیچ دلیل مشخصی برای این فرضیه وجود ندارد که یک دگراندیش چپ، مذهبی و یا اتنیکی، کمتر از آقای پهلوی منش عادلانه و آزادی‌خواهانه دارند. این را نه در ژست و رتوریک سیاسی، بلکه در کنش و برهم کنشی سیاسی و اجتماعی می‌توان جست.

زمینه پدیدار شدن چنین مشخصه‌هایی تنها زمانی ممکن است که عرصه رقابت سیاسی باز فراهم شود. در حال حاضر آنچه نگرانی ایجاد می‌کند، یک‌کاسه وانمود کردن گرایش جریانات اعتراضی است. وقتی ما پیش از رجوع به آرا، نوع و جهت آن را به شیوه مطلوب خود صورت‌بندی می‌کنیم، عملا عدم اعتقاد خود به اصل وجودی تفاوت آرا اجتماعی و تضاد منافع را فریاد می‌زنیم. تضاد منافع یک خصلت جامعه مدرن است و نفی آن، همانا بازگرداندن تمامی معیارهای شناختی به اعصار حکمرانی دودمانی و استبدادی است که ضرورتی نمی‌بیند تا برای حل این تضادها در چارچوب یک پلتفرم باز اقدامی انجام شود.

همانطور که در مقدمه اشاره شد، چنین نگرشی تنوع و تکرر را نه یک واقعیت و فرصتی برای اتحاد، بلکه یک تهدید مفروض می‌دارد. با این اوصاف، باید اذعان کرد که تصور جریان ایشان از مفهوم اتحاد، تقلیل‌گرایانه و زوربنیاد است. اتحادی که جمهوری اسلامی در برقراری آن ۴۴ سال تلاش مذبحوحانه کرد و نتیجه‌ای جز گسیختگی نگرفت. اتحادی که مبنای آن، گردآوری قهری دیگران در لوای ولایت مطلقه فقیه بود.

حال باید سوال کرد که ولایت مطلقه دودمانی نیز، همان رویه را پیش پای مردم خواهد گذاشت یا در میانه این تلاش به کاستی‌های معرفتی خود پی خواهد برد؟

کوتاه‌سخن اینکه، این خطابه علیرغم تمام یاسی که در میانه خطوط داشت، یک دستاورد به همراه داشت و آن اینکه متوجه شدیم که اپوزیسیون در ارتجاع به سر می‌برد و باید راه‌های دیگری را که نیاز است، تعقیب و یا خلق کنیم. پرواضح است، نخستین و بنیادی‌ترین خطای معرفتی در تفکر سیاسی معاصر ما، قابل تاویل دانستن مفهوم اتحاد به معنای همبستگی به رغم پذیرش تفاوت است.

سه تشکل سیاسی اپوزیسیون رژیم

ایران: رضا پهلوی گفتمان پدر و پدربزرگ دیکتاتورش را بازگو می‌کند

متن بیانیه به شرح زیر است:

تلاش برای تحمیل آلترناتیو سلطنت برای ایران فردا کاری بیهوده و پسروانه است سیاست‌های خانمانسوز حکومت اسلامی، گرانی سرسام‌آور و بیکاری گسترده؛ گسترش روزافزون فقر و گرسنگی در کشور به گسترش اعتراضات واعتصابات در سراسر کشور دامن زده است و مردم در اقصی نقاط ایران در کف خیابان به فساد و ناکارآمدی این حکومت اعتراض کرده و بعضا خواهان برکناری مسئولین حکومتی و برچیدن بساط آن هستند. در این بحران اجتماعی و سیاسی، فقدان یک آلترناتیو مورد اعتماد مردم، که برنامه روشن برای آینده ایران داشته باشد، بیش از هر زمان دیگر احساس می‌شود. در چنین شرایطی است که سلطنت‌طلبان فعالیت‌های خود را در چندان کرده و بنگاه‌های خبری و تلویزیون‌های خارج کشور وابسته به اینها برای آلترناتیوسازی در عرصه رهبری سیاسی به دست و پا افتاده و آقای رضا پهلوی ، فرزند آخرین شاه مستبد ایران را در مناسبت‌های مختلف به میدان‌داری سیاسی می‌کشاند و با برگزاری نشست های خبری عملا در جهت تبلیغ و ترویج نام او آشکارا برای مردم ایران در آستانه تحولات سیاسی بسیار جدی آلترناتیو سیاسی می‌تراشند.

در یکی از این نشست‌های خبری؛ رضا پهلوی روز ۱۳ خرداد ۱۴۰۱ گفتگویی با چند بنگاه سخن‌پراکنی داشته است. وی در آغاز سخنرانی خود اظهار داشت که مردم ایران هم درد را می‌شناسند و هم راهکار آن را می‌دانند و طبق رویه پوپولیستی که در چند سال گذشته در پیش گرفته است، اعلام کرد که "اپوزیسیون مردم داخل ایران" هستند. این اولین بار نیست که رضا پهلوی از روش‌های این چنینی برای انکار بخشی از اپوزیسیون حکومت اسلامی استفاده می‌کند.

تلاش رضا پهلوی برای حذف احزاب و سازمان‌ها و نهادهایی که چند دهه است به کار سیاسی مشغول هستند، و بعضا پیش از تولد وی برای استقرار دموکراسی در ایران با پدر وی هم مبارزه می‌کردند، تلاشی است مذبحوحانه که نشان از سطح درکش از دموکراسی و میزان پایبندی او به ادعاهای آزادی‌خواهانه و دموکراسی‌طلبانه او و مجموعه سلطنت طلبان دارد.

اکثریت وسیع مردم ایران بویژه در مناطق ملیت‌های ایران، صرف نظر از این که در کدام جغرافیا زندگی می‌کنند، اپوزیسیون جمهوری اسلامی و بزرگترین قربانیان این رژیم هستند، حضور جمعی از فعالین سیاسی یا رهبری احزاب و سازمان‌های مبارز علیه جمهوری اسلامی در خارج از ایران تنها نشان از سرکوبگری جمهوری اسلامی دارد.

رضا پهلوی، که در طول سال‌های گذشته در زمینه ائتلاف‌سازی موقعیتی بدست نیاورده است، اکنون که مبارزات مردم وارد مرحله جدیدی شده و اعتراضات در ابعاد وسیع نظام جمهوری اسلامی را هدف گرفته است، می‌کوشد تا با رفتارهای پوپولیستی و عوام‌فریبانه خود را تنها بدیل و آلترناتیو حکومت اسلامی نشان دهد و با استفاده از بنگاه‌های خبری و تلویزیون‌های خارج از کشور و نشست خبری اگراندیس‌مان شده، خود را یک رهبر مخالفان رژیم اسلامی جلوه دهد.

آقای رضا پهلوی در نشست خبری‌اش، در صدد مخالفت با جمهوری اسلامی و با نمایش سیمایی لیدرگونه، با استفاده از مفاهیمی با مضمون‌های هشداردهنده به بخش‌هایی از جامعه، برای عدم همکاری با جمهوری اسلامی برآمد. حال این که مردم ایران در مواجهه با رژیم حاکم از مرحله مخالفت با آن گذر کرده و در آستانه تغییر این رژیم هستند. آنچه که امروز مهم است طرح یک جمهوری آلترناتیو و بدیل سیاسی دموکراتیک، لائیک و مردمی است. اما آقای رضا پهلوی در این باره حرفی برای گفتن ندارد و همچنان بازگشت به گذشته و برقراری دوباره نظام پادشاهی پدر بزرگ و پدرش را ترویج و تبلیغ می‌کند. نظامی دیکتاتوری که ۴۳ سال پیش به دنبال یک انقلاب اجتماعی بزرگ به پایان رسید. آقای رضا پهلوی تا کنون حتی یک کلام انتقادی نسبت به استبداد خشن و سیاست سرکوب سخت پدر و پدر بزرگش بیان نکرده است. بین ادعای دموکراسی‌خواهی و تلاش فرزند شاه سابق در نادیده گرفتن پنجاه سال حکومت دیکتاتوری خشن و سرکوبگرانه پدر و پدربزرگ اش فاصله بسیار است.

همچنین رضا پهلوی با خطاب قراردادن نیروهای نظامی جمهوری اسلامی تلاش می‌کند تا نوعی تقسیم‌بندی در بین این نیروها سرکوبگر ایجاد کند. وی در تلاش است تا ارتش جمهوری اسلامی را از سپاه و دیگر نیروهای نظامی رژیم جدا کند به این امید که شاید در آینده ارتش جمهوری اسلامی بار دیگر ارتش شاهنشاهی شود!! آشکار است که تنها پایه ماندگاری رژیم توتالیتر جمهوری اسلامی نیروهای نظامی آن رژیم هستند، مسلم است که تمامی افراد درون این ارگان‌های نظامی به یک میزان در سرکوب مردم و استحکام جمهوری اسلامی نقش ندارند، اما تقسیم‌بندی براساس این که ارتش جمهوری اسلامی از جنایت‌های که این رژیم انجام می‌دهد مبرا است، نه تنها حکایت از واقعیت عینی ندارد، بلکه در واقع تلاشی است برای این که بخشی از نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی در فردای این رژیم جهت تغییر واقعیت‌های سیاسی ایران همچنان در کسوت خود بمانند. به کارگیری نیروی نظامی در امور سیاسی امری جدید یا ایده‌ای تازه نیست، بلکه از جمله دلایل اصلی وضعیت اسفبار کنونی ایران است، کما اینکه در ۱۰۰ سال گذشته رژیم‌های متفاوت در ایران از همین ایده برای کسب قدرت و استحکام خود استفاده کرده‌اند.

با اندک نگاهی به متن بیانیه آقای رضا پهلوی، نگاه تحقیرآمیز پدر و پدربزرگش نسبت به ملیت‌های صاحب و ساکن جغرافیای کنونی ایران در آن تکرار شده است. ملیت‌های غیرفارس در متن بیانیه وی به عنوان ایلات، عشایر و طوایف مورد خطاب قرار گرفته‌اند. ریشه این کلمات به گفتمان تلاش برای عادی‌سازی کشتارهای رضاشاه پهلوی برمی‌گردد. رضا شاه پهلوی برای تثبیت حکومت خود و برای توجیه لشکرکشی به مناطق مختلف ایران، مردم را عشیره و قبیله می‌خواند و کشتار آنها را مدرنیزاسیون می‌نامید. اکنون نوه خلف ایشان به سیاق پدربزرگش ملیت‌های ساکن این سرزمین را "ایلات" و "عشایر" می‌خواند.

باید پرسید با دیدگاهی چنین ناهنجار و نابرابر نسبت به ملیت‌های ساکن در ایران، آیا رضا پهلوی اصلا می‌تواند برای برقراری نظامی عادلانه با حقوقی برابر برای همه مردم ایران حرکت کند؟ سه ائتلاف سیاسی "شورای دموکراسی خواهان"، "کنگره ملیت‌های ایران فدرال" و "همبستگی برای آزادی و برابری در ایران" بار دیگر تاکید می‌کنند که سرنگونی حکومت اسلامی و رسیدن به آزادی، دموکراسی و برابری برای همه مردم ایران تنها با اتحاد و یکپارچگی همه مردم ایران و پیوند همه جنبش‌های اعتراضی و مطالباتی اعم از کارگران و زحمتکشان، معلمان، زنان، جوانان، ملیت‌ها، ... ممکن خواهد بود. ما در سه ائتلاف فوق رهبری سیاسی مردم را نه در یک شخص و یا یک تشکیلات واحد، که در تنوع رهبری سیاسی جستجو می‌کنیم، چون کشور ایران را کشوری متنوع و متشکر از نظر سیاسی، اتنیکی،ملی، طبقاتی، جنسیتی و فرهنگی می‌دانیم. در عین حال ما تمرکز رهبری در یک فرد را منتج به استبداد ارزبایی کرده و در تقابل با آن رهبری جمعی و متشکر را ترویج می‌کنیم و بر این باوریم که بذر دموکراسی و ترقی‌خواهی را تنها می‌توانیم در زمین رهبری جمعی و متشکر بکاریم و به هنگام تحولات سیاسی بزرگ و تغییر رژیم جمهوری اسلامی دموکراسی و ترقی ایران را از آن دو کنیم.

کنگره ملیت‌های ایران فدرال
شورای دموکراسی خواهان ایران
همبستگی برای آزادی و برابری در ایران

۱۸ خرداد ۱۴۰۱ - ۸ ژوئن ۲۰۲۲

کوردستان

افزایش جمعیت

نیشتمان اورمیه

رشد شهرنشینی، صنعتی شدن، کمبود منابع، از مقولات عمده در تحرک جمعیت از روستاها و شهرهای کوچک به سمت مادرشهرها و متروپل ها در بیشتر نقاط دنیا از جمله جهان سوم و کمتر توسعه یافته محسوب می شود ؛ بی گما ن افزایش حجم مقولات ذکر شده انفجار جمعیت کم درآمد، در حاشیه شهرهای بزرگ را به دنبال دارد، تراکم جمعیت فقیری که در حاشیه‌های کلانشهرها به مثابه مرزهای تحمیلی و اجباری مدام در کمبود احساس امنیت به سرمیبرند که هم برای ساکنان حاشیه نشین، و هم خود شهر بیانگر ترسیمی نامعلوم از آینده است.

تداوم و ارتقای تمدن هر جامعه مستلزم بالندگی کودکان آن است. برای نیل به این هدف باید امکانات خانوادگی و اجتماعی برای استعدادیابی و رشد استعداد کودکان فراهم شود، بدین ترتیب سازمان ملل مقاوله نامه حقوق کودک را به تصویب رسانده تا از این رهگذر راهکار قانونی برای مقابله با موانع رشد کودکان

میسر شود، طبق این مقاوله انتظار می‌رود این گروه از افراد اوقات خود را به تحصیل، آموزش یا فراغت بگذرانند، از این‌رو هر فعالیتی به استثنا تحصیل و فراغت که اوقات آنان را اشغال کند مانع شناخته می‌شود لذا کار کردن کودکان نیز یکی از آن موانع به حساب می‌آید. اما علی رغم فعالیت های انجام شده در خصوص حقوق کودکان و افزایش زیرساخت های حمایتی از آنها چنان همچنان با چالش کار کودکان به ویژه در مشاغل سخت و زیان آور روبرو است .چنان که با استناد به گزارش سازمان بین المللی کار (ILO) در سال ۲۰۱۶ میلادی تقریبا ۱۵۲ میلیون کودک ۵ تا ۱۷ ساله اشتغال به کار داشتند که نیمی از آنها یعنی معادل ۷۳ میلیون کودک به کارهای سخت و زیان آور مشغول می‌باشند که این مهم به طور مستقیم سلامت و رشد آنها را با خطر مواجه نموده است.

لذا کشوری که بیشترین جمعیت حاشیه نشین را به یدک می‌کشد دارای بیشترین کودک کار و کودک خیابانی است، کسانی که به دلایل گسترده که در رأس آن فقر و شرایط نامساعد اقتصادی از پشت نیمکت‌های

آموزش و فراگیری آینده به ساحت دستفروشی های خرد برای کمک خرج خانواده‌ها کشانده شده‌اند. بنابراین پدیده کودکان کار یکی از مهمترین معضلات جهان معاصر است، به حدی که این بحران به همان اندازه که شهرهای توسعه نیافته را به خود مشغول ساخته، به همان اندازه شهرهای توسعه یافته را هم درگیر این وضع گردانیده است.

در این خصوص به نظریه بی سازمانی اجتماعی مراجعه می‌کنم؛ طبق این نظریه می‌توان فرض کرد که کودکان کار یا خیابانی، انعکاسی از شرایط زیست اقتصادی_اجتماعی _فرهنگی اقشار تهیدست و آسیب‌پذیر حاشیه‌نشین است که نتوانسته‌اند در جریان مواجهه با تحولات اجتماعی چند دهه اخیر در ایران با شرایط موجود انطباق پیدا کنند. جامعه‌ای که طی دهه‌های اخیر تحولاتی مانند جنگ، برنامه‌های اقتصادی تعدیل ساختاری، سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی نادرست پس از دوره پایان جنگ، وزن پوشالی برنامه‌های چشم‌انداز بیست ساله و امثال آن را تجربه کرده است. هریک از این تغییر و تحولات به گونه‌ای متفاوت زندگی اقشار و طبقات پایینی جامعه را به شیوه‌ای

متفاوت تحت تاثیر قرار داده است که در نتیجه بازتاب و پیامدهای عکسی در پی داشته است. که از جمله پیامدهای سهمگین آن سقوط این قشرها و طبقات به قعر حاشیه بوده، بر فرض مثال می‌توان گفت به خیابان آمدن کودکان ناشی از الگوی انطباق و سازگاری خانواده‌های محروم و به حاشیه رانده شده از فرایند ثروت، قدرت و منزلت در یک نظم اجتماعی نابرابر می‌باشد.

طبق آمارهای موجود بین ۳ تا ۷ میلیون کودک کار در ایران وجود دارند، کسانی که به عنوان نان‌آور خانواده محسوب می‌شوند، اما در حقیقت اگر این تعداد از جمعیت برای آینده نزدیک مورد آسیب شناسی قرار بگیرد کودک تنها گزینه‌ای نیست که از آسیب‌های محتمل لطمه دیده، بلکه شیوه نارسانی به خانواده هم از جمله لطمات جبران ناپذیر است که بازتابش در آینده منعکس می‌شود. اما آیا چه نهادی مقصر به وجود آوردن این تعداد کثیر از کودکان است؟ در کشوری که منابع خام عمده‌ای وجود دارد بدون اینکه سود اندکی در جیب این اقشار آسیب پذیر برود. بی گمان نهاد دولت در صدر این لیست از نهادهای مسئول در تولید کودکان خیابانی است، زیرا

عملکرد ضعیف و ناکارآمدش یگانه مسئول این چرخه انبوه تولید است.

زیرا نتیجه ناکارآمدی به فقر مطلق منجر گشته و در چرخه فقر مطلق کودک بیشترین تاثیر را پذیرا می‌شود، کودک کار فقط به کار مشغول نیست و از تحصیل و آموزش محروم نمانده بلکه با رها شدن در خیابان مورد انواع سوءرفتارها قرار می‌گیرد، روبه اعتیاد می‌آورد، مورد سود جویی گرو ه های تبه کار و در و نشهری که اقسام استفاده های ناروا را بر کودکان اعمال می کنند ، واقع می‌شوند و به طور کلی این تعداد از جمعیت به راحتی تباه می‌شود.

به طور کلی مهمترین آسیب‌های ناشی از کار در سنین پایین برای کودکان؛

۱- محروم شدن از تحصیل و دور شدن از چرخه تربیت و آموزش؛ این یکی از مهمترین موارد می‌باشد، زیرا مستقیما بر کیفیت زندگی اجتماعی در آینده تاثیر میگذارد و نقش اجتماعی ضعیفی خواهد داشت؛

۲- کار در سنین پایین به صورت مستقیم بر روح روان کودک تاثیر میگذارد، اوضاع روحی

خامنه‌ای بر لزوم افزایش جمعیت ایران تاکید می‌کند



خامنه‌ای بر لزوم افزایش جمعیت ایران تاکید می‌کند

رهبر رژیم جمهوری اسلامی ایران بر پیگیری سیاست‌های افزایش جمعیت تاکید کرده است. علی خامنه‌ای روز چهارشنبه ۲۸ اردیبهشت، در نشست ستاد ملی جمعیت، پیری جمعیت ایران در آینده را "هولناک" توصیف کرده بود و تلاش برای افزایش جمعیت را یکی از "ضروری‌ترین فرایض" مسئولان و مردم دانسته بود.

علی خامنه‌ای افزایش جمعیت را "سیاستی حیاتی" برای آینده ایران خوانده بود و بر لزوم فرهنگ‌سازی در فضای عمومی و نظام بهداشتی تاکید کرد.

ابراهیم رئیسی، رئیس جمهوری رژیم ایران، نیز همه دستگاه‌ها را موظف کرد که اقداماتی را در راستای عملیاتی‌کردن قانون جمعیت و تعالی خانواده انجام دهند. ابراهیم رئیسی همچنین بر اهمیت پرداخت تسهیلات بانکی برای کمک به فرزندآوری تاکید کرد و گفت: باید آیین‌نامه‌های مربوط به پرداخت تسهیلات برای بانک‌ها آماده و هر چه سریع‌تر اجرایی شود".

پرداخت وام فرزندآوری، اعطای تسهیلاتی جهت حل مشکل مسکن افراد متاهل و ممنوعیت غربالگری در ماه‌های نخست بارداری، از جمله اقداماتی است

جمعیت و تعالی خانواده انجام دهند. ابراهیم رئیسی همچنین بر اهمیت پرداخت تسهیلات بانکی برای کمک به فرزندآوری تاکید کرد و گفت: باید آیین‌نامه‌های مربوط به پرداخت تسهیلات برای بانک‌ها آماده و هر چه سریع‌تر اجرایی شود".

پرداخت وام فرزندآوری، اعطای تسهیلاتی جهت حل مشکل مسکن افراد متاهل و ممنوعیت غربالگری در ماه‌های نخست بارداری، از جمله اقداماتی است که حکومت ایران برای افزایش نرخ ازدواج و فرزندآوری در نظر گرفته و اجرایی کرده است.

عدم ارائه خدمات عمومی و ارزان‌قیمت برای جلوگیری از بارداری نیز یکی دیگر از اقدامات حکومت ایران در این زمینه است. این در حالی است که کارشناسان عدم توزیع رایگان و یارانه‌ای وسایل پیشگیری از بارداری در ایران را مخرب و ویرانگر می‌دانند

و می‌گویند این قانون موجب ازدیاد بارداری‌های ناخواسته و گسترش بیماری‌های مقاربتی خواهد شد.

علاوه بر مشکلات اقتصادی و معیشتی، ایران با مسائلی مانند بحران کم‌آبی، آلودگی هوا و نابودی جنگل‌ها و مراتع نیز دست به گریبان است. به گفته مسئولان رژیم هم‌اکنون هشت هزار روستا نیازمند آبرسانی با تانکر است.

خبرگزاری ایرنا اوایل اردیبهشت امسال در گزارشی اعلام کرد که در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ تعداد ازدواج‌ها روندی کاهشی داشته و این رقم بیش از ۳۶ درصد افت نشان می‌دهد.

ابراهیم رئیسی، رئیس جمهوری رژیم ایران، نیز همه دستگاه‌ها را موظف کرد که اقداماتی را در راستای عملیاتی‌کردن قانون

در این زمینه، جمهوری اسلامی به ترویج فرزندآوری از راه‌های مختلف مانند محتوای کتاب‌های درسی، رسانه‌ها و نصب تابلوهای تبلیغاتی در سطح شهر نیز پرداخت.

با این حال طی سال‌های اخیر مشکلات اقتصادی، قیمت مسکن، و نرخ بیکاری افزایش یافته و آمار ازدواج و فرزندآوری در ایران نیز کاهش داشته است.

آبادان در حصر رژیم ایران

جمال رسول دنخه

در تاریخ جغرافیای ایران که به طرف جنوب رهسپار شویم به مناطقی سر خواهیم زد که مردمی زندگی کرده‌اند که در طول تاریخ از اجحاف و ستمی که بر آنان شده روی برتافته و علیه رژیم‌های مستبد مبارزه کرده‌اند.

ملت عرب در احواز؛ این ملت در تاریخ خود علیه بیدادگری‌های رژیم‌های روی کار آمده مبارزه کرده‌اند و اکنون نیز استمرار دارد. مبارزات ملت عرب بنا به وضعیت آن منطقه مراحل مختلفی را طی کرده است چرا که آبادان در جنگ ۸ ساله ایران و عراق کانون جنگ بوده است.

در طول این ۸ سال منابع مادی و ثروت ملی این منطقه به طور کل در انحصار رژیم ایران قرار گرفت و حتی کارگرهای ساده برای کار در پالایشگاه و کارخانجات این منطقه از افراد غیر بومی تشکیل یافت.

نتیجه این جنگ در این منطقه موجب شد فقر، بیکاری، تورم، عقب افتادگی فرهنگی، از بین رفتن سرمایه اجتماعی، واپس‌ماندگی‌های رفتاری و اجتماعی بر این اثرات مخربی بر جای بگذارد.

کلید سیاست آسمیلاسیون، سرکوب، اشغال و استعمارگری از دوران رضاخان در انقلاب سفید زده شده و جمهوری اسلامی ایران نیز عینا همان سیاست را البته با سیاق دیگری دنبال می‌کند.

در روزهای اخیر و در پی فاجعه

دردناک فروریختن ساختمان مترویل آبادان که منجر به جان باختن و قربانی شدن ده‌ها نفر شد، ملت عرب احواز بار دیگر به نشانه اعتراض به ناکارآمدی رژیم ایران و اشغال سرزمین احواز، به خیابان‌ها آمده و علیه رژیم ایران شعار سر دادند.

حادثه مترویل آبادان و بی توجهی رژیم ایران به مصدومان و جانب‌اختگان زیر آوار و اعزام نیروهای سرکوب و ضد شورشی بجای نیروهای امداد، سندی غیر قابل انکار و دال بر اینست که رژیم ایران دید و نگاهش به همه ملت عرب احواز و ملل غیر فارس سیاسی و امنیتی ست و همه را دشمن و ضد خود می‌پندارند و در راستای از بین بردن این ملل از هر فرصتی در جهت سرکوب و نابودی استفاده می‌کنند.

بنا بر آمارهای منتشره استانی که ۸۵ درصد از چاه‌های نفت کل ایران را در دل خود جای داده، دومین رتبه حاشیه‌نشینی کشور را دارد. به گفته وزیر نفت رژیم ایران، ۷۴ درصد تولید نفت کشور در استان خوزستان صورت می‌گیرد.

این استان حدود ۴۰ درصد از صادرات محصولات کشاورزی ایران را نیز بر عهده دارد. شکر، گندم، ذرت، خرما و مرکبات، تنها بخشی از تولیدات کشاورزی این استان برای عرضه در بازار داخلی و صادرات است.

با این حال خوزستان به‌رغم برخورداری از ظرفیت‌های بالا، در رتبه ۱۹ کشوری در حوزه کسب‌وکار قرار دارد. این بدان معناست که بخش عمده ظرفیت‌های این استان در اختیار مجموعه‌های اقتصادی وابسته به

رژیم قرار دارد. خوزستان باوجود ثروتی که در دهه‌های اخیر به اقتصاد ایران تزریق کرده، آنچه در حوزه بازتوزیع منابع برای ساکنانش حاصل شده، محدود به فقر و گسترش دامنه معضلات اقتصادی و اجتماعی بوده است.

اوایل خرداد ماه، مهرداد نیکو، رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی خوزستان با اعلام نرخ تورم ۳۹.۳ درصدی خوزستان، این نرخ را چهار درصد بالاتر از میانگین کشوری اعلام کرد.

معضل تامین آب محدود به آب آشامیدنی نبوده و حوزه کشاورزی و دامداری این استان را نیز به شدت تحت تاثیر این شرایط قرار دارند. این چالش به ویژه در برخی مناطق روستایی که معیشت مردم به دامداری‌های خرد و زمین‌های

کشاورزی گره خورده، عمیق‌تر شده و اقتصاد بخش قابل توجهی از خانوارهای روستایی را دچار معضل کرده است.

فراگیری دامنه اعتراض‌های مردمی در گوشه‌گوشه استان خوزستان طی سال‌های اخیر بیانگر آن است که دیگر جایی برای تاب‌آوری مردم باقی نمانده است. تشدید فشارهای معیشتی و تحمیل فقری فراگیر در کنار معضلات رو به گسترش زیست‌محیطی در این استان، خوزستان را در معرض انفجاری از اعتراض‌های انباشته قرار داده است.

بر اساس آمارهای رسمی ارائه شده توسط وزارت کار، شهرهای عمدتاً عرب‌نشین این استان از جمله خرمشهر، بندر ماهشهر، احواز، امیدیه و شوشتر بیشترین «آمار مهاجرپذیری» را به خود

اختصاص داده‌اند که به کارگیری نیروی کار غیربومی در صنایع مختلف، از دلایل عمده مهاجرت به این شهرها محسوب می‌شود.

در خوزستان نظام اداری یک نظام رانت‌خوار و فاسد است. نه تنها اغلب مدیران غیربومی استان درباره عواقب سوء مدیریت خود پاسخگو نبوده‌اند و نیستند بلکه این مسئولان همواره از سوی لابی‌های مرکز‌نشین حمایت می‌شوند.

جواد روئین تن از فعالان عرب احوازی در مصاحبه‌های خود در شبکه‌های اجتماعی به این نکته اشاره کرده است که اعمال برخی سیاست‌های یکسان‌سازی گروه‌های اتنیک‌ی که با تولد دولت-ملت ایران از سال‌های آغازین روی کار آمدن رضا شاه پهلوی در دستور کار حکومت مرکزی قرار گرفته و تاکنون از سوی جمهوری اسلامی هم تعقیب شده، بیش از پیش به روند مهاجرت شهروندان بومی از خوزستان به دیگر نقاط ایران دامن زده است.

به گفته این فعال عرب احوازی وجود مجتمع‌های کشت و صنعت نیشکر در این استان را طرحی می‌داند که حکومت‌های پهلوی و جمهوری اسلامی از ده‌ها سال قبل تا امروز در راستای اهدافی نظیر "تصاحب زمین‌های ساکنان بومی استان" و "تغییر بافت جمعیتی در مناطق عرب‌نشین" به اجرا درآورده‌اند.

سیاست‌های رژیم ایران در این منطقه در کل خشونت‌ی عریان است که در صدد حذف ملت عرب در سرزمین خودشان است.

اعتراض به بی‌عدالتی و تبعیض در آبادان



شغلی و معیشتی معترض هستند و خواهان رسیدگی به خواسته‌های خود شده‌اند. کارگران پروژه‌ای شاغل در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی خواستار افزایش دستمزد و اجرای نوبت‌کاری ۲۰ روز کار و ۱۰ روز استراحت هستند.

مطالبات خود شدند. کارگران داربست‌بند شرکت پارس قدرت که به صورت پروژه‌ای در پتروپالایش کنگان مشغول به کار هستند، فعالیت‌های شغلی خود را متوقف کرده و دست به اعتصاب زدند. کارگران نسبت به خلف وعده مسئولان و عدم تحقق مطالبات

مطالبات خود شدند. کارگران سراسر جغرافیای بازنشستگان سراسر جغرافیای جعلی ایران با اعتراض به عدم افزایش حقوق دریافتی، خواستار اجرای کامل طرح همسان‌سازی حقوق و مستمری ماهیانه بازنشستگی، اجرای بیمه مکمل و پرداخت تکمیلی هزینه‌های درمانی در دوران بازنشستگی

بازنشستگان و مستمری‌بگیران تامین اجتماعی احواز، امروز چهارشنبه ۱۸ خرداد ماه، سومین روز تجمعات اعتراضی خود را علیه ظلم و بی‌عدالتی مسئولان برپا کردند.

معترضان با سردادن شعارهایی، سیاست‌های غلط اقتصادی سرکردگان جمهوری ضداسلامی و تاثیر معضلات معیشتی ناشی از آن بر اقشار آسیب‌پذیر را به شدت محکوم کردند.

بازنشستگان که پیشتر نیز بارها با برپایی تجمعات اعتراضی به خیابان‌ها آمده بودند، خواهان اجرای کامل طرح همسان‌سازی حقوق و مستمری ماهیانه بازنشستگی، اجرای بیمه مکمل و پرداخت تکمیلی هزینه‌های درمانی در دوران بازنشستگی هستند.

بازنشستگان شهر عبادان که با اراده‌ای استوار و تداوم برپایی اعتراضات متوالی همچنان در پی احقاق حقوق خود هستند، امروز شنبه ۲۸ خرداد ماه نیز تجمعات اعتراضی برگزار کردند. معترضان با سردادن شعارهایی ضمن اعتراض به ظلم و تبعیض و وضعیت فاجعه‌بار معیشتی این قشر، خواهان رسیدگی مسئولان به

تداوم بازداشت و بلاتکلیفی شاعر و روزنامه‌نگار عبادانی



با گذشت یک هفته از بازداشت آرش قلعه‌گلاب، شاعر و روزنامه‌نگار ساکن عبادان اشغالی، تاکنون هیچ اطلاع دقیقی از سرنوشت و محل نگهداری وی در دسترس نیست. آقای قلعه‌گلاب، روز پنجشنبه پنجم خرداد ماه، مقابل ساختمان برج فروریخته مترویل عبادان در کشور عربی احواز اشغالی، توسط جنایتکاران سرکوبگر امنیتی ایران

اشغالگر همراه با ضرب و شتم شدید بازداشت و به مکانی نامعلوم منتقل شده است. گفته می‌شود، این روزنامه‌نگار از بیماری‌های آسم و دیابت رنج می‌برد و تداوم بازداشت و بی‌اطلاعی از سرنوشت او، سبب افزایش نگرانی‌های خانواده و نزدیکان وی شده است

نقش نیروهای انقلابی در وقوع یک انقلاب



پیشوا صالحی

انقلاب رویدادی غیرمنتظره است و تعیین زمان به وقوع پیوستن آن غیرممکن است اما با توجه به شرایط و نشانه‌هایی که در پدید آمدن انقلاب ها نقش آفرینند می توان پیش بینی کرد و امیدوار شد که انقلابی در راه است.

در واقع برای به راه انداختن یک انقلاب حضور تعداد زیادی از مردم نیاز نیست چون بیشتر انقلاب ها توسط مجموعه‌هایی کوچک از انسان های مبارز سازماندهی و در نهایت پدید آمده‌اند، مبارزانی که هر چند تعدادشان نسبت به نیروهای سرکوبگر بسیار اندک بوده است اما از طریق یک برنامه‌ریزی دقیق و هماهنگ توانسته‌اند قدرتمندترین دیکتاتورهای جهان را به زباله‌دان تاریخ بیندازند، برای مثال نیکلای چائوشسکو دیکتاتور کومونیست رومانی برای مقابله با تظاهرات های اعتراضی مردم رومانی که تا آن زمان به صورت پراکنده و فقط در چند شهر کوچک رومانی انجام می گرفت و همچنین غلبه بر موج انقلابی که بر اثر قطع پشتیبانی اتحاد جماهیر شوروی از رژیم های کومونیست شرق اروپا و فرو ریختن دیوار برلین در کشورهای لهستان، آلمان شرقی، مجارستان و ... به وجود آمده بود تصمیم گرفت تا تظاهرات عظیمی در حمایت از خودش در شهر بخارست پایتخت رومانی به

راه اندازد، چائوشسکو با به راه انداختن این تجمع عظیم قصد داشت به مردم رومانی و جهان ثابت کند که بیشتر توده‌های مردم هوادار او هستند یا از او حساب میبرند!

بدین منظور چائوشسکو دستور داد هشتاد هزار نفر را در میدان اصلی شهر بخارست پایتخت رومانی گردهم آورد و همچنین به شهروندان سراسر رومانی نیز دستور داده شد که پای رادیو و تلویزیون بنشینند و به سخنرانی چائوشسکو گوش دهند.

هنوز چند دقیقه از سخنرانی چائوشسکوی دیکتاتور نگذشته بود که در میان هزاران نفر حاضر در میدان اصلی شهر بخارست که به ظاهر چهره‌ای مشتاق داشتند یک نفر "هو" کشید!

کمتر از چند ثانیه طول نکشید که جمعیت حاضر در میدان شروع به

شعار علیه چائوشسکو پرداختند، این تصاویر به صورت زنده در تلویزیون پخش شد، هر چند پلیس رومانی دستور توقف پخش را صادر کرد اما تصویر بردار و صدابردار و همچنین عوامل پخش به کار خود ادامه دادند تا مردم رومانی شاهد قدرت و شکوه اتحاد خود و ضعف و ناتوانی چائوشسکوی دیکتاتور باشند و این چنین شد که هشتاد هزار معترض حاضر در میدان اصلی پایتخت و میلیونها نفر از مردم سراسر رومانی نظارگر قدرت پوشالی چائوشسکو شدند، پس از این ماجرا و گذشت چند روز رژیم چائوشسکو پس از چهار دهه حکومت بر بیست میلیون رومانیایی توسط مردم متحد و انقلابی این کشور سرنگون و به زباله‌دان تاریخ انداخته شد. همانگونه که بیان شد انقلاب رویدادی غیرمنتظره است و نمی

توان زمان دقیق به وقوع پیوستن آن را تعیین نمود و همچنین برای به راه انداختن یک انقلاب و تحریک جامعه برای شرکت در یک انقلاب افراد زیادی لازم نیست، نمونه‌ای دیگر در این رابطه انقلاب مصر بود، نقشی را که تلویزیون در انقلاب رومانی انجام داد را اینبار فیسبوک و توئیتر انجام دادند رسانه‌هایی که تازه به وجود آمده بودند توسط تعداد اندکی از انقلابیون مورد استفاده قرار گرفتند به گونه‌ای که هزاران نفر را در زمان و مکان مناسب به خیابانها کشاندند و در نهایت تجمعات اعتراضی را به انقلاب در مصر و برکناری حسنی مبارک تبدیل ساختند. همانگونه که در آغاز این متن بیان شد می توان با توجه به شرایط نیز بر احتمال وقوع یک انقلاب افزوده شود، برای نمونه وضعیت

نامناسب اقتصادی،اجتماعی، سیاسی، امنیتی و عدم آزادی در یک کشور که موجب بی اعتمادی و فاصله میان مردم و حکومت می شود بر احتمال وقوع یک انقلاب افزوده شود. با توجه به تاریخ انقلاب های بزرگ در جهان و همچنین وضعیت نابسامان این جغرافیای سیاسی (ایران) اگر بخواهیم تحلیلی داشته باشیم بر احتمال وقوع انقلاب در این جغرافیای سیاسی (ایران) باید گفت که بیشتر شرایطی که برای پدیدار شدن یک انقلاب الزامی است موجود می باشد به غیر از وجود یک سازماندهی منظم توسط انقلابیون متشکل از مردم معترض که در تجمعات بزرگ سازماندهی شوند و بتوان از طریق آنها اراده‌ی سرکوبی را که رژیم نامشروع جمهوری اسلامی سالهاست با ایجاد رعب

و وحشت از طریق اعدام، شکنجه و... بر ملیت های تحت ستم در جغرافیای سیاسی ایران برپا ساخته است غلبه شود، زمانی که احاد مردم در این سرزمین به این حقیقت پی ببرند و با چشم هایشان ببینند که اگر متحد شوند صاحب قدرتی فوق العاده هستند و رژیمی که سالهاست به اتکا به زور و خشونت کلبه‌ی حق و حقوقشان را پایمال ساخته است چقدر در مقابل اتحادشان ذلیل و کم توان است آن موقع است که انقلابی را که نمی توان زمان دقیقش را پیش بینی کرد به وقوع خواهد پیوست.

اگر نیروهای انقلابی متحد و هماهنگ عمل کنند بدون شک در آینده‌ای نه چندان دور شاهد انقلابی بزرگ و براندازی رژیم تروریستی جمهوری اسلامی خواهیم بود.

بازداشت معلمان کورد در سرتاسر کوردستان روز هلات



هومن سمکو

در بعضی موارد بدون ارائه حکم بازداشت و گاها به همراه ضرب و شتم، تفتیش منزل و ضبط لوازم شخصی صورت گرفته است.

البته این ارقام بیشتر شده و اسامی دیگری نیز اضافه شده اند. چیزی که مد نظر است اینجاست که رژیم ایران با متمرکز شدن بر روی کوردستان سعی بر سرکوب فعالین مدنی و صنفی و ممنوعیت هرچه بیشتر هر نوع فعالیت برای آزادی بیان، فعالیت های فرهنگی، بیداری و آگاهی مردم برای حقوق بشر میباشد. این حرکت جدیدی از خصومت رژیم ایران علیه کوردها نیست. بلکه رژیم ایران از بد تولد تا امروزه بارها دشمنی و سرکوبگری خود را نسبت به کوردها چه بازداشت و دستگیر کردن شهروندان و چه با زبان اسلحه همیشه در قبال کوردها دریغ نکرده است. و همچنان پا در رکاب علیه کوردها برای سرکوب هر نوع فعالیت مدنی،اجتماعی،فرهنگی دست‌می‌زند. خیلی از اشخاص سیاسی، مدنی، صنفی و حتی سازمانهای خارجی این حرکت

رژیم را محکوم و درخواست بلافاصله آزادی این اشخاص را کرده اند. خیلی از این عزیزان دست به اعتصاب غذا در زندان‌ها زده اند. البته گوش رژیم ایران به هیچ نامه برای آزادی اشخاص از طرف ، گروه و سازمانها باز نیست و با بی توجهی هرچه بیشتر به بازداشت بیشتری از از این‌هموطنان دست زده است. رژیم ایران از هر لحاظ سعی بر میلیتاریزه کردن مناطق کوردنشین، سرکوب هر نوع فعالیت برای آزادی بیان،

فعالیت‌های فرهنگی در چهل وچند سال اخیر را در دست کار دارد. در طی چندین سال حکمرانی این رژیم چندین فعال سیاسی و اجتماعی و مدنی کورد اعدام شده اند. با اینکه سازمان حقوق بشر، کشورهای غرب حرکات خصمانه رژیم رامحکوم کرده اند، اما رژیم ایرن به هیچ یک از این بیانیها عکس‌العملی نشان نداده و از کشورهای غربی و سازمانها و نهادهای بین‌المللی

خواسته که درامور داخلی کشور دخالت نکنند. حکومت ایران با چنین‌حرکات خصمانه علیه ایرانیان تصویر و چهره تروریستی در ذهن جامعه جهانی به تصویر کشیده است. رژیم ایران توانایی وانعطاف‌پذیری انتقاد از عملکرد خود را چه از طرف ایرانیان و چه از طرف جامعه جهانی را ندارد و با این‌مسئله حساسیت خاصی را نشان می‌دهد. و این یکی از نقاط ضعف این‌حکومت به حساب می‌آید. البته رژیم ایران هر نوع انتقاد

درماه‌های اخیر خبر دستگیری چندین معلم و فعالین مدنی و صنفی در ایران به خصوص درکوردستان ایران به وضوح به چشم‌می‌خورد. از جمله آقایان اسکندر لطفی»عضو باسابقه انجمن صنفی معلمان کوردستان و سخنگوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران و «مسعود نیکخواه، بهمن جبار دوستی معلم بازنشسته و از اعضای انجمن صنفی معلمان کوردستان- آقای مسعود فرهیخته، عضو هیئت مدیره کانون صنفی فرهنگیان اسلامشهر می‌توان خبر داد. در شهرهای بوکان، پیرانشهر، سروآباد، مریوان، ربط، بوکان، نقده، سنندج، سقز، پاوه، کرمانشاه و مهاباد توسط نیروهای امنیتی بازداشت و یا به نهادهای امنیتی احضار شدند. بازداشت این شهروندان که طی روزهای اخیر به ۶۴ نفر رسید،

نمایی از نقص حقوق بشر در کوردستان با استناد بر آژانس خبرسانی کوردستان (کردپا)

پنج عضو انجمن صنفی معلمان کردستان – دیواندره از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شدند



امروز چهارشنبه بیست و پنجم خردادماه، امید شاه محمدی، عثمان رضایی، هیوا قریشی، پرویز احسنی و کاوه محمدزاده از اعضای انجمن صنفی معلمان کردستان – دیواندره توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند.

یک منبع مطلع در این رابطه به کردپا اعلام کرد: نیروهای امنیتی برای جلوگیری از برگزاری تجمع اعتراضی معلمان در مقابل اداره آموزش و پرورش دیواندره این پنج فعال صنفی معلمان را بازداشت کردند.

این منبع مطلع اظهار داشت: از سرنوشت این پنج عضو انجمن صنفی معلمان کردستان – دیواندره پس از بازداشت اطلاع دقیقی در دسترس نیست.

در همین رابطه نیز، امروز چهارشنبه بیست و پنجم خردادماه، خالد عبداللهی، محمد فتاحی، سلیمان عبدی، عزیز مرزی و صلاح سرخی از اعضای انجمن صنفی معلمان کردستان – سقز و زیویه از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شدند.

بنا به فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران روز پنجشنبه بیست و ششم خردادماه، معلمان در اعتراض به عدم اجرای همدان سازی، رتبه بندی، بازداشت های غیر قانونی فعالان صنفی و سناریوسازی های صدا و سیما تجمعات اعتراضی را در مقابل مجلس و ادارات آموزش و پرورش برگزار خواهند کرد.

ضرب و شتم یک کولبر اهل نودشه از سوی نظامیان حکومتی در مرز نوسود



روز سه شنبه بیست و چهارم خردادماه، یک کولبر کرد به نام "محمدامین امینی" اهل شهر نودشه در نزدیکی روستای "نروی" از توابع بخش نوسود پاهو مورد ضرب و شتم نظامیان حکومتی قرار گرفت. این کولبر بر اثر ضرب و شتم نظامیان حکومتی از ناحیه صورت و دست به شدت زخمی شده است. این کولبر جهت مداوا پزشکی به بیمارستان قدس پاهو منتقل شده است.

یک شهروند کرد در مهاباد بازداشت شد

روز سه شنبه بیست و چهارم خردادماه، یک شهروند کرد به نام "دیار عباسی" اهل روستای "برجو" از توابع بخش خلیغان مهاباد از سوی نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد. به گفته یک منبع مطلع، نیروهای امنیتی برای بازداشت این شهروند به منزل خانوادگی وی مراجعه و پس از تفتیش منزل موفق به بازداشت او نشده بودند و سپس وی را بدون ارائه حکم قضایی در میدان استقلال مهاباد بازداشت کردند. این منبع مطلع افزود: چند روز پیش نیز، آقای عباسی به اداره اطلاعات مهاباد احضار و مورد بازجویی قرار گرفته بود. دیار عباسی پیشتر عضو یکی از احزاب کرد اپوزیسیون حکومت ایران بوده و بعدها به ایران بازگشته است. تا لحظه انتشار این خبر، از دلیل بازداشت و اتهامات مطروحه علیه این شهروند اطلاعی در دسترس نیست.

شمار معلمان بازداشتی در سقز به ۱۵ تن رسید



در جریان موج بازداشت گسترده اعضای انجمن صنفی معلمان کردستان – سقز و زیویه، طاهر قادرزاده و فاتح غفاری از فعالان صنفی معلمان توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند.

به گفته یک منبع مطلع، طاهر قادرزاده و فاتح غفاری صبح امروز پنجشنبه بیست و ششم خردادماه از سوی نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شدند.

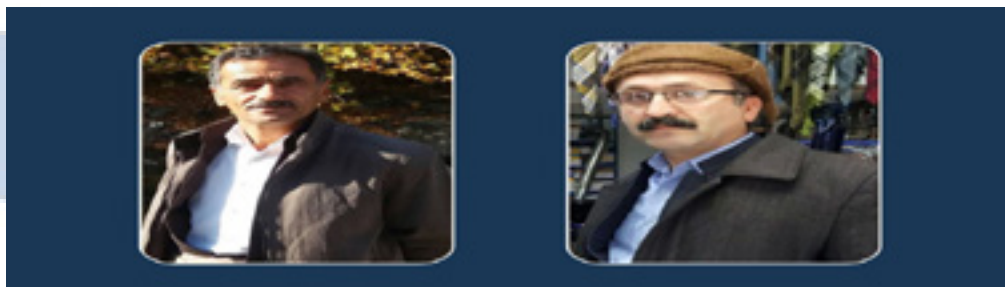
با احتساب این دو فعال صنفی معلمان تاکنون ۱۵ عضو انجمن صنفی معلمان کردستان – سقز و زیویه توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند.

روز چهارشنبه بیست و پنجم خردادماه، آوات رضوی، طاهر حامدی، لقمان الله مرادی، احمد قادری، کیوان احمدی، خالد شیخی، انور فرج زاده، صلاح حسینی، خالد عبداللهی، محمد فتاحی، سلیمان عبدی، عزیز مرزی و صلاح سرخی از اعضای انجمن صنفی معلمان کردستان – سقز و زیویه از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شدند.

در همین رابطه نیز، روز چهارشنبه بیست و پنجم خردادماه، امید شاه محمدی، عثمان رضایی، هیوا قریشی، پرویز احسنی و کاوه محمدزاده از اعضای انجمن صنفی معلمان کردستان – دیواندره توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند.

عکس از راست به چپ: طاهر قادرزاده و فاتح غفاری

انتقال دو زندانی سیاسی کرد از زندان اشنویه به زندان نقده



روز سه شنبه بیست و چهارم خردادماه، کمال قویتاسی و عزیز قادرتاج، دو زندانی سیاسی کرد اهل اشنویه از زندان این شهرستان به زندان نقده منتقل شدند.

به گفته یک منبع مطلع، انتقال این دو زندانی سیاسی به زندان نقده به دستور اداره اطلاعات اشنویه صورت گرفته است.

روز شنبه هفتم خردادماه، کمال قویتاسی پس از احضار به شعبه اجرای احکام دادگاه انقلاب اشنویه بازداشت و جهت اجرای حکم حبس به زندان این شهرستان منتقل شد.

این شهروند از سوی شعبه اول دادگاه انقلاب اشنویه به ریاست قاضی "رضایی" به اتهام "عضویت و همکاری با یکی از احزاب کرد اپوزیسیون حکومت ایران" به پنج سال حبس تعزیری محکوم و این حکم روز یکشنبه هفتم فروردین ماه به وی ابلاغ شده بود.

روز یکشنبه دهم اسفندماه ۱۳۹۹، کمال قویتاسی اهل روستای "چشمه گل" با تودیع قرار وثیقه به شیوه موقت تا پایان مراحل دادرسی از زندان اشنویه آزاد شده بود.

آقای قویتاسی روز پنجشنبه هفتم اسفندماه ۱۳۹۹ پس از اتمام دوران بازجویی از یکی از بازداشتگاه های امنیتی در ارومیه به زندان اشنویه منتقل شده بود.

این شهروند کرد روز دوشنبه بیست و چهارم آذرماه ۱۳۹۹ بدون ارائه حکم قضایی توسط نیروهای امنیتی بازداشت و سپس جهت بازجویی به یکی از بازداشتگاه های امنیتی در ارومیه منتقل شده بود.

روز پنجشنبه پنجم خردادماه، عزیز قادرتاج، معلم مقطع ابتدایی روستای "ترزیوه" از توابع اشنویه پس از احضار به شعبه اجرای احکام دادگاه انقلاب این شهرستان بازداشت و جهت اجرای حکم حبس به زندان منتقل شد.

این معلم توسط شعبه اول دادگاه انقلاب اشنویه به ریاست قاضی "رضایی" به اتهام "عضویت و همکاری با یکی از احزاب کرد اپوزیسیون حکومت ایران" به سه سال حبس تعزیری محکوم و این حکم روز یکشنبه هفتم فروردین ماه به وی ابلاغ شده بود.

آقای قادرتاج پس از صدور رأی دادگاه بدوی درخواست تسلیم به رأی کرده بود، اما دادگاه به دلیل فشار نهادهای امنیتی این درخواست وی را رد کرده است.

روز یکشنبه دوازدهم بهمن ماه ۱۳۹۹، نیروهای امنیتی بدون ارائه حکم قضایی به منزل شخصی عزیز قادرتاج یورش بردند و او را بازداشت کردند.

این شهروند کرد روز چهارشنبه سیزدهم اسفندماه ۱۳۹۹ پس از اتمام دوران بازجویی از یکی از بازداشتگاه های امنیتی در ارومیه به زندان اشنویه منتقل و روز پنجشنبه چهاردهم اسفندماه همان سال با تودیع قرار وثیقه به شیوه موقت تا پایان مراحل دادرسی از زندان آزاد شده بود.